

# نقد و بررسی شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید

علی اکبر عباسی  
دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه اصفهان

## چکیده

شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید معتزلی یکی از بهترین شرح‌ها بر کتاب شریف نهج البلاغه محسوب می‌شود. ویژگی بارز این شرح تأکید بر بیان موضوعات تاریخی خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار حضرت علی (ع) است. وی در این اثر از آثار بسیار زیاد و گونه‌های متعدد منابع متقدم‌تر از خود بهره برده که بسیاری از آنان اکنون موجود نیست. شیوه عقل‌گرایی، استدلالی و مناظره‌ای وی نیز جذبه خاصی به نثرش بخشیده است. وی در این کتاب به عقاید گروه‌های مختلف مذهبی اشاره و با تسامح نظراتشان را بیان و احياناً نقد می‌نماید. تحلیل‌های خود مؤلف نیز در جای‌جای کتاب مشاهده می‌شود که نشان از تدبیر، خلاقیت و تسلط وی بر مباحث تاریخی به‌ویژه بر ماجراهای دوران امام علی (ع) دارد. با وجود این، نظرات مؤلف در مواردی قابل نقد و بررسی است. در این مختصر ضمن بررسی زندگی، آثار مؤلف، گرایش‌های مذهبی وی به تحلیل، نقد و بررسی مباحث تاریخی شرح نهج البلاغه پرداخته شده است.



ابی الحدید، شرح نهج البلاغه،  
تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم،  
بیروت: دارالساقیه للعلوم، الطبعه  
الاولی ۱۴۲۱/۲۰۰۱.

واژگان کلیدی: ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، امام  
علی (ع)، خلافت

### ابن ابی‌الحدید در یک نگاه

نهج‌البلاغه گزیده‌ای از سخنان، نامه‌ها و کلمات قصار ارزش‌مند حضرت علی (ع) است که توسط سیدرضی در قرن چهارم از لابلای منابع معتبر جمع‌آوری شد و از آن پس نویسندگان زیادی به شرح و توضیح این کتاب شریف همت گماشتند. یکی از این شارحان عزالدین ابوحامد بن هبه‌الله بن محمد بن محمد بن ابی‌الحدید مدائنی، معروف به ابن ابی‌الحدید است. ویژگی بارز شرح وی تکیه بر مباحث تاریخی نهج‌البلاغه است.

ابن ابی‌الحدید در اول ذی‌الحجه ۵۸۶ در مدائن متولد شد. جو شهر مدائن در ایجاد گرایش‌های شیعی (به معنای تفضیل علی بر سایر خلفا و صحابه) در وی تأثیرگذار بود. در همین شهر وی قصبه‌العلویات را سرود، پس از آن وی به بغداد رفت و با علمای مذاهب مختلف دیدار کرد و به معتزله متمایل شد. این دانشمند بزرگ در سال ۶۵۶ مدت کمی پس از تصرف بغداد توسط مغولان درگذشت.<sup>۲</sup> با توجه به این مؤلف بنا به گفته خودش کتاب را در کمتر از ۵ سال و در صفر سال ۶۴۹ به پایان رسانده است، وی این کتاب را در اواخر عمر و هفت سال مانده به وفاتش نگاشته است. منابع هم‌عصر با مؤلف به درگذشت وی با فاصله اندکی پس از حمله مغولان به بغداد خبر می‌دهند.<sup>۳</sup> آنچه از محتویات کتاب گران‌سنگ وی، شرح نهج‌البلاغه برمی‌آید، وی مدت زیادی بعد از تصرف بغداد زنده نماند و فرصت لازم برای انجام تغییرات در کتابش را نیافته است. وی در شرح خطبه ۱۲۸ در جلد هشتم و در استنباط خود از سخنان امام می‌نویسد: «مغولان به بغداد نخواهند رسید و خداوند بغداد و عراق را از شر آنان حفظ خواهد فرمود...»<sup>۴</sup> موج ترس و نگرانی مردم بغداد از کشتار مردم شرق جهان اسلام توسط مغولان قبل از حمله هلاکو در اواسط قرن هفتم هجری در سخنان این مؤلف قرن هفتم کاملاً مشهود است. اگر مؤلف مدتی طولانی بعد از تصرف بغداد زنده می‌بود، این جملات از اثرش را اصلاح می‌نمود.

### سایر آثار ابن ابی‌الحدید

ابن ابی‌الحدید دانشمندی بزرگ در زمینه‌های ادبیات عرب، شعر، معانی و بیان، کلام و تاریخ صدر اسلام بود.<sup>۵</sup> در مقاله دائره‌المعزف اسلام ابتدا چهارده اثر نثری و سپس سه اثر نظمی ابن ابی‌الحدید ذکر شده است.<sup>۶</sup> با بررسی آثار وی از وسعت آگاهی وی در علوم مختلف مطلع می‌شویم.

مهم‌ترین اثر ابن ابی‌الحدید که از مهم‌ترین شرح‌ها بر کتاب نهج‌البلاغه نیز محسوب می‌شود، شرح ۲۰ جلدی وی بر کتاب شریف نهج‌البلاغه می‌باشد.

### مسئولیت‌های اداری و انگیزه تألیف

ابن ابی‌الحدید در بغداد مسئولیت‌های زیادی را عهده‌دار شد، ابتدا دبیری دارالشریف و پس از آن دبیری دیوان و بعد از آن ناظر بیمارستان و بالاخره ریاست کتابخانه‌های بغداد را بر عهده گرفت.<sup>۷</sup> در این کتاب مؤلف از بسیاری آثار و منابع بهره جسته است که اکنون موجود نیست. مؤلف انگیزه خویش از تألیف کتاب را چنین بیان می‌کند؛ از مدت‌ها پیش به فکر شرح این کتاب (نهج‌البلاغه) بودم و اهتمام وزیر ابی طالب محمد بن احمد بن علقمی و توصیه او مرا مصمم‌تر ساخت.<sup>۸</sup> پس از اتمام این کار بزرگ علمی که چهار سال و هشت ماه طول کشید این وزیر شیعی صد دینار، خلقت افتخار و اسبی را به وی هدیه داد.<sup>۹</sup> با وجود این اگر با انصاف به شرح وی بنگریم، از عقیده امامیه طرفداری ننموده و با تسامح آراء گوناگون را مطرح و در بسیاری از موارد آراء بزرگان شیعه چون سیدمرتضی، شیخ مفید و ... را نقد می‌نماید.

### گرایش‌های مذهبی

در مورد گرایش‌های مذهبی مؤلف بحث‌های زیادی مطرح شده است. از محتویات شرح نهج‌البلاغه چنین برمی‌آید که وی شیعه امامی نیست و در کلام نیز معتزلی است، در شعر العلویات به هنگام اقامت در مدائن می‌سراید؛ معتقد به آیین معتزله‌ام و هر که را شیعی است دوست دارم.<sup>۱۰</sup> در متن شرح در بسیاری از موارد آراء و عقاید شیعه را رد و نقض نموده است و از عقیده خویش دفاع کرده است؛ مثلاً در رد عقیده شیعه در مورد نص پیامبر بر خلاف علی (ع) و صحیح بودن خلافت سه خلیفه قبلی در شرح خطبه ۴۳ بحث می‌نماید،<sup>۱۱</sup> به یازده مورد از مطاعن عثمان که از سوی مخالفان بیان شده، مصرانه پاسخ داده است،<sup>۱۲</sup> جلد دوازدهم از شرح بیست جلدی نهج‌البلاغه را به فضایل و مناقب عمر اختصاص داده و اصرار دارد که ستایش علی (ع) از شخص ناشناس در خطبه ۲۲۳ ستایش از عمر است.<sup>۱۳</sup> در یکی از بحث‌های مطرح شده در کتاب عقیده شیعه در مورد عدالت صحابه را صحیح نمی‌داند و می‌گوید: «طعن زدن صحابه به یکدیگر و مخالفتی که میان ایشان بوده

وی در شرح خطبه ۸۳ از نهج البلاغه، دیدگاه اعتقادی خود در مورد توبه عمرو بن عاص را مطرح می‌کند، وی می‌نویسد: عمرو در آخر عمر فرموده است، پروردگارا سرکش نیستم، بلکه آمرزش خواهم و سخنانی دیگر از این قبیل، وی در ادامه می‌نویسد: «آیا این سخنان اعتراف به گناه و پشیمانی نیست. می‌گوییم این گفتار خداوند متعال که می‌فرماید: بر آنانی که گناهان را تا هنگامی که مرگ یکی از ایشان فرا می‌رسد، انجام می‌دهد و آنگاه می‌گوید هم اکنون توبه می‌کنم، توبه‌ای نخواهد بود،<sup>۱۴</sup> مانع از آن است که این گونه سخنان توبه باشد. وانگهی شرطها و ارکان توبه معلوم است و این اعتراف و اظهار تأسف ارزشی ندارد و توبه شمرده نمی‌شود.<sup>۱۵</sup> مؤلف توبه عمرو را در آخر عمر نمی‌پذیرد و توبه طلحه در آخر عمر و با همان شرایط پذیرفتنی می‌داند، وی ضمن ردّ روایت ابی‌مخنف در مورد سخنان علی(ع) در برابر نعل بی‌جان طلحه و نکوهش وی، اظهار می‌دارد که: «اصحاب ما چیز دیگری جز این روایت می‌کنند... در این هنگام کسی آمده و گفت: ای امیرالمؤمنین! گواهی می‌دهم [طلحه] پس از این که تیر خورده، درافتاده بود، فریاد برآورد و مرا پیش خود فرا خواند و گفت: تو از اصحاب کدام کسی؟ گفتم از اصحاب علی هستم گفت: دست فراز آر تا با تو برای وی بیعت کنم و من دست خود را به سوی او فرا بردم و او با من برای تو بیعت کرد. علی(ع) فرمود؛ خداوند نمی‌خواست طلحه را به بهشت ببرد، مگر بیعت من بر عهده و گردنش باشد»<sup>۱۶</sup> این خود نشان از عقیده مؤلف و نگرش متفاوت وی درباره صحابه متقدم و برخی از متأخرین آنان دارد مؤلف بحثی درباره عدالت صحابه پیش کشیده است؛ بحثی که به عقیده اشعری‌ها در مورد صحابه اشاره و سخن ابوالمعالی جوینی در مورد عظمت صحابه را بیان می‌کند و روایات زیادی<sup>۱۷</sup> از پیامبر در بزرگداشت همه صحابه ذکر می‌کند، پس از آن سخنان نقیب ابوجعفر یحیی بن محمد علوی بصری را در نقد و ردّ سخنان جوینی و ساختگی بودن روایاتش ذکر کرده و بحث‌های تاریخی زیادی را از زبان ابن نقیب زیدی مذهب به عنوان شاهد و نمونه بر نقض آرا جوینی در مورد صحابه نگاشته است. در نهایت ابن‌ابی‌الحدید نظر خودش را هم ذکر و بعضی از آراء متکلم زیدی را نقد و نظر مثبتش در مورد طلحه، زبیر، عایشه و صحابه را اظهار می‌دارد.

نظر ابن‌ابی‌الحدید در مورد صحابه نه مثل ابوالمعالی جوینی است که همه صحابه بدون استثنا حتی متأخر مثل

است مربوط به کیفیت اجتهاد و ایشان است...<sup>۱۴</sup> در جایی دیگر اشاره دارد به این که «... یاران معتزلی ما گفته‌اند که شیعیان حقیقی ما هستیم [نه کسانی که الآن به نام شیعه معروفند]...»<sup>۱۵</sup> ابن‌ابی‌الحدید در مقدمه خویش بر کتاب در مورد خلافت، امامت و تفضیل، همچنین اختلاف نظر معتزلیان بصره و بغداد در مورد تفضیل سخن می‌گوید: «عموم مشایخ ما (معتزله) ... در این موضوع اتفاق نظر دارند که بیعت با ابوبکر صحیح و شرعی بوده است ... گروهی از ایشان معتقدند که ابوبکر از علی(ع) برتر و افضل بوده است و آنان ترتیب فضیلت را به ترتیب خلافت خلفای چهارگانه می‌دانند، اما عموم معتزلیان بغداد چه متقدمان و چه متأخران ... معتقدند که علی از ابوبکر افضل است.»<sup>۱۶</sup> مؤلف سپس عقیده معتزله بغدادی در مورد کسانی که با علی(ع) جنگ کردند را بیان می‌کند، که در واقع عقیده خود وی نیز بوده است. در شرح خطبه شقشقیه، مؤلف برخی از اخبار سه خلیفه اول را بیان می‌کند، در توضیح سخنانی از حضرت علی(ع) مبنی بر این خلفا حق او را گرفتند و بر وی ستم نمودند، پس از بیان نظرات امامیه می‌گوید: «چون امیرالمؤمنین علی افضل و احق به خلافت بوده و برای خلافت از او به کسی عدول کرده‌اند که از لحاظ فضل و علم و جهاد با او برابر نبوده است و در سروری و شرف به او نمی‌رسیده است، اطلاق این کلمات عادی است هر چند افرادی که پیش از او به خلافت رسیده‌اند پرهیزگار و عادل باشند و بیعت با آنان صحیح بوده باشد.»<sup>۱۷</sup>

در شرح خطبه ۵۸ ابن‌ابی‌الحدید به این نکته اشاره دارد که ظهور غلو کنندگان از کجا ناشی شده است و در این رابطه احادیثی از پیامبر درباره حضرت علی(ع) را نقل نموده است؛ از جمله روایتی از پیامبر خطاب به علی که: «همانا در تو مثلی از عیسی بن مریم(ع) است، مسیحیان او را چنان دوست داشتند که وی را فراتر از منزلت خود قرار دادند و یهودیان چنان دشمنش می‌داشتند که به مادرش تهمت زدند.»<sup>۱۸</sup> جالب این است که ابن‌ابی‌الحدید در شرح جمله قصار ۴۷۸ در جلد بیستم نیز مجدد همین روایت را ذکر می‌کند و افراط کنندگان در دوستی علی را غلو کنندگان و کسانی که معتقدند به تکفیر بزرگان صحابه و نفاق ایشان؛ و تفریط کنندگان را کسانی که در جستجوی نقصی از علی باشند و یا او را دشمن بدانند و کسانی که با او جنگ کرده‌اند و کینه او را در دل بدارند، می‌داند.<sup>۱۹</sup>

نکته قابل توجه دیگر درباره گرایش مذهبی وی این که

تهران و در سال ۱۲۱۷ ق چاپ سنگی شده است، محمد ابوالفضل ابراهیم برای تصحیح کتاب از چاپ تهران و ۳ نسخه کامل و ناقص دیگر از شرح نهج البلاغه بهره برده و به نسخه‌هایی از خود نهج البلاغه هم مراجعه داشته است. علاوه بر این تا جایی که برای مصحح ممکن بوده است برای تصحیح کتاب به کتاب‌هایی که ابن‌ابی‌الحدید در تألیفش از آنها بهره برده و اکنون باقی مانده و مستقلاً چاپ شده‌اند، مراجعه نموده است؛ از جمله این آثار می‌توان به تاریخ طبری، الاغانی ابوالفرج و مقاتل الطالیین وی، الحیوان و نیز الیابان و التبیان جاحظ، الشافی سیدمرتضی، المغنی قاضی عبدالجبار معتزلی، حلیه‌الاولیاء ابونعمان اصفهانی، وقعه صفین نصر بن مزاحم منقری، الکامل مبرد، الاوائل از ابن‌هلال عسکری، نسب قریش از زبیر بن بکار، المنتظم ابن جوزی و الصحاح الجوهری و برخی از دیگر کتابهای ادب، لغت و تاریخ اشاره نمود.

#### ترجمه‌های فارسی شرح نهج البلاغه

دو ترجمه به صورت نسخه خطی از شرح ابن‌ابی‌الحدید موجود است، یک ترجمه شمس‌الدین محمد بن مراد که به ظاهر از دانشمندان عصر صفوی است.<sup>۳۱</sup> دیگری با نام مظهر البینات اثر نصرالله تراب بن فتح‌الله دزفولی است.<sup>۳۲</sup> در سال‌های اخیر دکتر محمود مهدوی دامغانی مباحث تاریخی این شرح که قسمت زیادی کتاب را دربرمی‌گیرد با قلمی شیوا به فارسی برگردانده و توسط نشر نی در هشت جلد به چاپ رسانده است.<sup>۳۳</sup>

#### روش ابن‌ابی‌الحدید در تدوین شرح نهج البلاغه

مباحث این کتاب ارزشمند شامل دلیل بیان خطبه‌ها و یا کلمات قصار و نگاشتن نامه توسط امیر مؤمنان و ماجراهای تاریخی، ادبی، کلامی و اخلاقی پیرامون آن، توضیح در مورد شخصیت‌های مطرح شده در آن، ارائه بحث‌های تحلیلی صاحبان علم و بزرگان مذاهب و ارائه نظرهای تحلیلی شخصی ابن‌ابی‌الحدید و مناظرات وی در مورد بحث‌های تاریخی و کلامی با دانشمندان می‌باشد که جذابیت خاصی به اثر او داده است. نکته جالب در همه این موارد تسامح فوق‌العاده ابن‌ابی‌الحدید است. وی از منابع گروه‌های فکری و مذهبی مختلف بهره‌مند شده و از یک‌جانبه‌نگریستن پرهیز کرده است با آن که خودش معتزلی است، دشنام‌های

معاویه و عمرو و مغیره را تأیید کند و نه مثل متکلم زیدی که نظر مساعدی نسبت به بعضی از صحابه متقدم هم ندارد.<sup>۳۴</sup> از این بحث می‌توان چنین نتیجه گرفت که ابن‌ابی‌الحدید در فقه زیدی مذهب هم نیست، چنانکه به مطاعن عثمان که از سوی مخالفان خلیفه سوم مطرح شده، پاسخ گفته است،<sup>۳۵</sup> اما در کلام مسلماً معتزلی است.

ابن‌ابی‌الحدید ستایش علی (ع) از شخصی ناشناس در خطبه کوتاه ۲۲۳ را ستایش از عمر می‌داند و به همین دلیل کل شرح این خطبه را به اخبار عمر و ذکر مناقب او و پاسخ به مطاعنی که برای او بر شمرده‌اند، اختصاص داده است. محققان در مورد این که منظور امام در این خطبه چه کسی است، اتفاق نظری ندارند، برخی ابوبکر و بعضی عمر را ذکر کرده‌اند،<sup>۳۶</sup> افرادی هم می‌نویسند که منظور امام، مالک اشتر بوده است.<sup>۳۷</sup> البته یکی از محققان اشاره می‌کند که این خطبه از سخنان علی (ع) نیست و آوردن آن در نهج البلاغه از اشتباهات سیدرضی است.<sup>۳۸</sup> مؤلف در روایتی از ابن‌عباس و در شرح این خطبه آورده است؛ عمر از من (ابن‌عباس) پرسید، آیا علی می‌پندارد که پیامبر به خلافت او نص و تصریح فرموده است؟ گفتم: آری. گفت: ... البته پیامبر در بیماری خود می‌خواست به نام او تصریح فرماید و من برای محبت و حفظ اسلام از آن کار جلوگیری کردم...<sup>۳۹</sup>

مؤلف در شرح خطبه ۲۰۳ به ذکر احوال منافقان پس از زمان پیامبر پرداخته و ظلم و ستمی که پس از پیامبر اهل بیت (ع) رسیده را مورد بررسی قرار داده است و در نهایت هم فصلی را به احادیث جعلی که از سوی طرفداران علی (ع) و طرفداران ابوبکر جعل شده، اختصاص داده است. در شرح خطبه ۲۱۱ ابن‌ابی‌الحدید بحث‌های خود با دانشمندان مذاهب مختلف درباره تفضیل علی (ع) را بیان نموده و از آثار اسکافی در این زمینه بهره برده و عقیده خود را هم در پایان ذکر نموده است.

ابن‌ابی‌الحدید در ذیل شرح خطبه ۱۶ در مورد حضرت مهدی (عج) می‌نویسد: «یاران معتزلی ما هم منکر او نیستند و در کتاب‌های خویش به نامش تصریح کرده‌اند و شیوخ معتزله به وجود او معتقدند، با این تفاوت که به اعتقاد ما هنوز آفریده نشده است و به زودی آفریده می‌شود.»<sup>۴۰</sup>

#### چاپ کتاب

بهترین چاپ کتاب با تحقیق و تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم در مصر انجام شده است. قبل از آن این اثر در

مربوط به بیماری پیامبر در شرح خطبه ۱۹۵ آمده و در این مورد در شرح خطبه ۲۳۰ هم مفصل بحث شده است). در شرح جمله ۲۳۰ از کلمات قصار ابن‌ابی‌الحدید نمودارهایی از شجاعت علی (ع) را بیان می‌کند و می‌نویسد همان‌گونه که علی (ع) به فرزندش حسن توصیه می‌نماید خودش هم هیچ‌گاه دلبران را به رزم و هم‌وردی فرا نخوانده و تمام نبردهای تن به تن او چنان بوده که یا شخص او را به نبرد فرا می‌خوانده‌اند و یا کسی را به نبرد می‌خواسته‌اند و او به جنگ می‌رفته و فرا خواننده را می‌کشته است. ابن‌ابی‌الحدید بعد از ذکر هم‌وردی‌های علی (ع) در جنگ‌های بدر، احد، خیبر، اهمیت هم‌وردی امام در نبرد خندق با عمروبن عبدود را مهمتر از سایر هم‌وردی‌ها می‌داند و بنا به نقل بعضی از شیوخ معتزله ضربت علی بر عمرو را یکی از دلایل بلندمنزلت‌تر بودن وی در نزد خداوند نسبت به سایر صحابه می‌داند. چگونگی مبارزه علی (ع) با عمرو و سپس فرار سایر پهلوانان قریش و کشته شدن نوفل بن عبدالله بدست علی را در غزوه احزاب به نقل از مغازی و اقدی و سیره ابن‌اسحاق نقل می‌کند.

### سقیفه و بحث جانشینی پیامبر

موضوع خطبه دوم بحث‌هایی درباره وصایت علی (ع) است. ابن‌ابی‌الحدید مخصوصاً اشعار شاعران موافق و مخالف حضرت علی (ع) را که به وصایت ایشان اشاره دارند، ذکر نموده و مصداق‌ها و نظرات متفاوت در مورد وصایت پیامبر (ص) به علی (ع) را توضیح می‌دهد. گفتنی است که اخبار مفصل‌تر راجع به سقیفه در شرح خطبه ۲۶ ذکر شده است. همچنین بیان نظرات انصار در سقیفه و تحلیل نظر علی (ع) در مورد آنها در شرح خطبه ۶۶ بیان شده است، شرح خطبه ۱۶۳ هم به این موضوع اختصاص یافته است. در شرح‌نامه ۶۲ ابن‌ابی‌الحدید دلیل این که علی (ع) پس از رحلت پیامبر ابتدا بیعت نمود و سپس بیعت کرد، اشاره نموده در شرح خطبه پنجم از تلاش کسانی چون عباس و ابوسفیان برای تحریک علی (ع) پس از رحلت رسول اکرم و جواب‌های علی (ع) یاد شده است. ابن‌ابی‌الحدید در شرح جمله ۱۸۵ از کلمات قصار استدلال علی (ع) بر علیه ابوبکر را در شعری از آن حضرت نقل کرده است و می‌نویسد اصل خود جمله نثری خطاب به عمر است؛ «شگفتا که خلافت به صحابی بودن باشد و به صحابی بودن و خویشاوندی نباشد». در شعر امام خطاب

اشعریان علیه معتزلیان را در اثرش می‌آورد.<sup>۳۴</sup> نکته دیگر این که مؤلف بعضی کتاب‌های متقدم را در کتاب خودش ذکر نموده و مطالب نقل شده با مطالب بعضی از آن کتاب‌ها که به صورت مستقل هم چاپ شده‌اند، تفاوت‌هایی جزئی دارد و همان‌گونه که در بحث چاپ کتاب آمد، این موضوع به مصححین کتاب‌ها کمک نموده است. کتاب وقعه صفین نصر بن مزاحم تقریباً به طور کامل در شرح خطبه‌های مختلف آمده است.<sup>۳۵</sup> مباحث تاریخی کتاب الغارات ثقفی کوفی هم در شرح خطبه‌ها و نامه‌ها آمده است، تحلیل‌های جالبی از ابن‌ابی‌الحدید را در لابلای مطالب این کتاب‌ها و درباره موضوعات مطرح شده می‌توان یافت.<sup>۳۶</sup> مهمتر از این‌ها، این که اخبار زیادی از منابع متقدم را نقل نموده و اکنون ما برخی از آن منابع را در اختیار نداریم و مطالب آنها از طریق نقل در شرح به دستمان رسیده است. کتاب‌هایی مثل صفین ابن‌دیزیل همدانی، کتاب الجمل هشام بن محمد کلبی و منقولاتی از برخی آثار مفقود شده ثقفی کوفی مؤلف الغارات. این نکته که وی از کتابخانه‌هایی استفاده نموده که بلافاصله پس از نگارش اثرش در حمله مغولان به بغداد نابود شد، ارزش کار وی را دوچندان نموده است.

### سبک بیان فضایل علی (ع) در شرح ابن‌ابی‌الحدید

تکیه مؤلف در بیان فضایل امام علی (ع) ذکر روایات و احادیث نیست و یا کمتر با توجه به آن به ذکر مناقب ابوالحسن می‌پردازد و توجه وی به صفات و خصوصیات آن حضرت در زندگی و خلافت است، ویژگی‌هایی چون شجاعت، برخورداری از علوم الهی، قضاوت، فقه، تفسیر و نحو، همچنین گذشت و فداکاری، سخاوت، جهاد، خوش‌خلقی و گشاده‌رویی، زهد و بی‌رغبتی به دنیا، عبادت، قرائت قرآن، رأی و تدبیر، سیاست، سبقت در ایمان آوردن را در وجود علی (ع) توضیح داده و شواهد و قرائن زیادی ارائه داده است و در نهایت می‌نویسد: «اگر علی (ع) را در مورد خصایص اخلاقی و فضایل انسانی و دینی بنگری، او سخت رخشان و بر اوج شرف خواهی دید».<sup>۳۷</sup> در شرح خطبه ۱۹۰ ابن‌ابی‌الحدید این موضوع را متذکر شده است که علی همراه با پیامبر بوده و از ایشان اطاعت می‌نمود، در هیچ جنگی فرار نکرد و همراهی علی با پیامبر را در دوران رسالت و رحلت آن بزرگوار و چگونگی غسل و کفن خاتم الانبیا توسط علی (ع) را توضیح می‌دهد (برخی از اخبار

داخل نشدن در شوری ۶ نفره) وی توجهی نداشته، حداقل در این لحظه به نظر عباس توجه نموده و با خلیفه وقت (عثمان) ستیز و جدول ننماید.<sup>۴۰</sup> پس از آن ابن ابی‌الحدید مناظرات جالبی درباره وضعیت علی (ع) در زمان خلافت خلفا با ابوجعفر یحیی بن‌زید انجام داده که در نوع خود قابل توجه است.

### نبرد جمل در شرح نهج البلاغه

بیشترین بحث تاریخی در نهج البلاغه و شرح ابن‌ابی‌الحدید درباره نبرد جمل است. مؤلف در شرح خطبه‌های ۸، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۲۲، ۳۱، ۷۹، ۱۳۷، ۱۴۸، ۱۵۶، ۱۷۳، ۱۹۸ و ۲۱۳ به ابعاد گوناگون این واقعه پرداخته و اخبار طلحه و زبیر، عایشه و مردم بصره، حمایت بصری‌ها از لشکر جمل، پرچم‌داری محمد حنفیه در جنگ جمل و ... را ذکر کرده است. اخبار عبدالله بن زبیر اعم از تولد، نقش او در جنگ جمل، وضعیت وی در زمان پیامبر و خلفا و خصوصاً اخبار او در دوران قدرت‌گیری‌اش در شرح جمله ۴۶۱ از کلمات قصار بیان شده است.

### بررسی مباحث مربوط به صفین و بنی‌امیه

حوادث برخورد عراق و شام و درگیری معاویه و علی (ع) در سخنان امام در جای‌جای نهج البلاغه مشهود است، یکی از خطبه‌ها در این رابطه، خطبه ۴۳ است که در رابطه با فرستادن جریر بن عبدالله بجلی به شام برای ایجاد صلح و جلوگیری از ایجاد فتنه‌انگیزی شامیان بوده است. ابن ابی‌الحدید در شرح این خطبه با استفاده از منابعی چون وقعه صفین نصر بن مزاحم، المعارف ابن قتیبه و جمهره النسب ابن کلبی خلاصه‌ای از نسب و زندگی جریر و چگونگی پیوستن او به علی (ع) همچنین شرح مذاکراتش با معاویه و در نهایت عزیمت وی از کوفه به جزیره را بیان می‌دارد. در توضیحات مؤلف در مورد نامه ششم نیز مطالبی در ارتباط با سفارت جریر آمده که درست به نظر نمی‌رسد، در شرح این نامه آمده است همراه جریر مردی به نزد معاویه آمد و در شعری وی را به خون‌خواهی عثمان تحریک نمود، در ادامه اشاره می‌کند که معاویه بعد از معطل کردن جریر کاغذ سفیدی به وی داد که فقط در آن نوشته شده بود از معاویه بن‌ابی‌سفیان به علی بن‌ابی‌طالب و همراه جریر مردی از قبیله عبس را به کوفه فرستاد که یاران علی را از خون‌خواهی شامی‌ها بترساند، در حالی که موضوع شعار

به ابوبکر نیز آمده است: «اگر با شورا عهده‌دار امور خلافت شده‌ای، چه شورایی که رأی‌دهندگان در آن نبودند و اگر از راه خویشاوندی و نسب بر مدعیان (انصار) حجت آوردی دیگری (علی<sup>۴۱</sup>) از تو به رسول خدا (ص) نزدیک‌تر بود»<sup>۳۸</sup> سبک استدلال‌های علی(ع) در نهج البلاغه براساس عقیده مخالفان است، چنان‌که در این شعر علی(ع) با این‌که اعتقاد بر نص پیامبر(ص) بر خلافت خویش داشت، با خلیفه اول بنا به آنچه وی قبول داشت محاجه می‌نمود و یا در خطبه‌ای که به رد عبدالله بن قیس (ابوموسی اشعری) ایراد نمود از تناقض در بین سخنان و عملکرد خود او استفاده و وی را محکوم نمود.<sup>۳۹</sup> این نوع استدلال در شرح بخشی از نامه‌های علی (ع) و استدلال‌های ایشان علیه طلحه و زبیر در مورد خون‌خواهی عثمان در شرح‌نامه ۵۴ آمده است. یکی از موضوعات مفصل ذکر شده در اثر ابن ابی‌الحدید، بحث اسلام آوردن ابوبکر و علی (ع) و ویژگی‌های اسلام آوردن آن دو می‌باشد. ابن‌ابی‌الحدید برای این قسمت از آراء دو تن از بزرگان معتزله یعنی جاحظ و اسکافی استفاده نموده و بنیدند اندیشه‌های این دو را در این ارتباط ذکر نموده است. مبنای کار وی بر این است که در هر موضوع ابتدا نظر جاحظ در مورد تقدم ابوبکر و برتری او بر علی را از عثمانیه نقل می‌کند و سپس نظر اسکافی را در رد آن و اثبات برتری علی (ع) براساس کتاب نقض عثمانیه ذکر می‌کند.

سخنان علی (ع) با اعضای شورای شش نفره عمر و تحلیلی‌هایی از مؤلف در این مورد مباحث شرح خطبه‌های ۷۳ و ۱۳۹ را در بر می‌گیرد. بخشی از اخبار شوری شش نفره و مذاکرات این افراد و چگونگی بیعت نهایی با عثمان در شرح سخنان علی (ع) در خطبه ۱۳۹ آمده است. اختلافات عثمان و طلحه و نقش وی در محاصره و قتل خلیفه در مباحث تاریخی خطبه ۱۷۵ مطرح شده است دلایل ایجاد اختلاف میان عثمان و علی و ریشه‌های رقابت میان این دو با استفاده از منابع متقدم و با تحلیل‌هایی از مؤلف به همراه بحث نسبتاً مفصلی از جعفر برمکی و از زبان محمد بن سلیمان الحاجب از مباحث مطرح شده در شرح خطبه ۱۳۵ است. مؤلف در شرح خطبه ۲۳۹ به وصیت عباس عموی علی (ع) به آن حضرت اشاره دارد و این‌که عباس در لحظه مرگ از امام می‌خواهد که اگرچه پس از رحلت پیامبر و در زمان خلافت دیگر خلفا علی به اندیشه‌های وی (پذیرش بیعت عباس با خودش و

که خواری را نپذیرفتند و سختی‌هایی را متحمل شدند، تحت عنوان (کسانی که ستم را نپذیرفته‌اند و اخبار ایشان) بیان کرده است. بخش کوتاهی از اخبار جنگ صفین در شرح نامه ۱۷ آمده و بنا به اقتضای مطالب نامه و زمان نوشته شدن آن، اخبار قبل از ليله الهرير در جنگ صفین در این بخش جای گرفته است مباحث تاریخی خطبه ۳۵ برگرفته از وقعه صفین نصر بن مزاحم بوده و عمده فصل‌های هفتم و هشتم کتاب نصر را در برمی‌گیرد. در شرح این خطبه به حمله سرنوشت‌ساز علی (ع) بر معاویه در جنگ صفین و چگونگی ماجرای حکمیت پرداخته است (در شرح خطبه ۲۰۱ هم اشاره‌ای مختصر به حمله سرنوشت‌ساز شده است). اخبار مربوط به مروان بن حکم و امارت او در عهد معاویه و چگونگی به خلافت رسیدنش در شرح خطبه ۷۲ ذکر شده است. پادشاهی مروان بن محمد بن مروان و چگونگی انقراض بنی‌امیه و استقرار بنی‌عباس در شرح خطبه ۱۰۴ جای داده شده است. چگونگی تقسیم مقررری در دوران خلافت ابوبکر، عمر، و اجتهاد عمر در این زمینه در تشریح خطبه ۱۲۶ آمده و این خطبه زمانی ایراد شد که به حضرت علی (ع) اعتراض شد که چرا به صورت برابر مقررری را تقسیم می‌نماید.

### اشعث کندی در شرح ابن ابی‌الحدید

موضوع شرح خطبه ۱۹ به ماجراهای اشعث بن قیس در عهد جاهلیت و دوران خلافت خلفای راشدین اشاره دارد. وی در این قسمت درباره اشعث می‌نویسد: «اشعث از منافقان روزگار خلافت علی (ع) و به ظاهر هم از اصحاب او بوده است، همان‌گونه که عبدالله بن ابی‌سلول در زمره اصحاب پیامبر بود و هر یک از این دو به روزگار خویش سر نفاق و مایه آن بودند».<sup>۴۳</sup> مؤلف در شرح خطبه‌ای دیگر و در بیان اقدامات خوارج به مشکل‌تراشی‌هایی کسانی مثل اشعث در تشدید مخالفت خوارج بر ضد امام علی (ع) اشاره نموده و می‌نویسد: «هر فساد و نابسامانی که در مدت خلافت علی (ع) اتفاق افتاده و هر پریشانی که صورت گرفته ریشه آن اشعث بن قیس بوده است، آن چنان که در همین مورد اگر او درباره معنی حکمیت و داوری با علی ستیز و جدل نمی‌کرد جنگ نهروان اتفاق نمی‌افتاد...».<sup>۴۴</sup>

### نمود غارات سرداران معاویه در شرح ابن ابی‌الحدید و نقد و بررسی آن

خون‌خواهی عثمان از سوی معاویه و تحریک وی بر این کار و فرستادن نمایندگان در این خصوص به نزد علی (ع) از مدت‌ها قبل آغاز شده بود.<sup>۴۱</sup> فرستادن مردی از عبس نزد علی (ع) از سوی معاویه پس از فرستادن سهل بن حنیف برای امارت شام و نه پس از سفارت جریر صورت گرفت. ذکر نامه المعتضد بالله فرزند موفق خلیفه عباسی در شرح نامه ۲۷ ذکر شده و ابن ابی‌الحدید اشاره می‌کند که این نامه از نیکوترین نامه‌ها است. متن نامه در ارتباط با تصمیم معتضد به لعن معاویه بر منابر است ناراحتی خلیفه عباسی از این بود که بعضی از مردم به هنگام آشامیدن آب بر معاویه رحمت می‌فرستند، این نامه نوشته شد و در منابع مذکور است ولی خوانده نشد. وزیر معتضد بن عبیدالله بن سلیمان و قاضی یوسف او را از آن برحذر داشتند. دلیل قاضی یوسف این بود که با خواندن این نامه مردم به علویان متمایل خواهند شد.

در شرح نامه ۶۴ که یکی از نامه‌های علی (ع) به معاویه است، ابن ابی‌الحدید در مورد استدلال‌های علی (ع) بر معاویه بحث می‌نماید و شواهدی بر تأیید استدلال‌های امام ارائه می‌دهد و سپس خبر فتح مکه را به طور مفصل از مغزای واقدی نقل نموده است. فلسفه ذکر این خبر در شرح این نامه نیز این است که علی (ع) در جواب معاویه که نوشته بود با لشکری از مهاجران و انصار به سوی تو می‌آیم علی در جواب وی نوشت «هجرت آن روز به پایان رسید که بردارت اسیر گردید».<sup>۴۲</sup>

ماجراهای نامه‌های علی (ع) به کارگزارانش در مورد حرکت به سمت شام و حوادث مسیر راه آن حضرت به صفین در توضیحات ابن ابی‌الحدید درباره خطبه ۴۶ و ۴۷ بیان شده است، اولین رویارویی جلوداران علی (ع) با جلوداران سپاه معاویه در این قسمت ذکر شده است. یکی از حوادث ابتدایی جنگ طولانی صفین جنگ برای دست‌یابی به آب و یا به عبارت بهتر جنگ بر سر آب بود، تسلط شامیان و عراقیان بر آب فرات متناوب بود، ابتدا شامیان و بعد عراقیان سپس شامیان و در نهایت عراقیان بر آب مسلط شدند. ماجراهای مرحله اول، یعنی تسلط شامیان بر آب و باز پی‌گیری سواحل سنگ‌فرش فرات توسط سپاه علی (ع) در شرح خطبه ۵۱ بیان شده است (حوادث اواسط صفین در شرح خطبه‌های ۶۵ و ۱۲۴ ذکر شده است). چون در این خطبه صحبت از خواری و زبونی و همچنین عزت و سرفرازی شده است، ابن ابی‌الحدید نمونه‌هایی از کسانی

متن نامه امام آمده است «سپاه من در راه به او رسیدند در حالی که سپاه جاریه که در تعقیب بسر بود، هیچ‌گاه به وی نرسید.<sup>۴۸</sup> ولی سپاه حجر به نیروهای ضحاک رسیدند.<sup>۴۹</sup> در نامه آمده است سردار معاویه به تنگنا افتاد. در حمله بسر وی بدون هیچ کشته‌ای نزد معاویه رفت.<sup>۵۰</sup> در حالی که ضحاک مطابق آنچه در نامه ذکر شد نوزده کشته داد و خودش هم ابتدا گم شد و بعد از ماجراهای بسیار که برای وی رخ داد توانست خود را به دمشق برساند.<sup>۵۱</sup> با وجودی که ابن ابی‌الحدید خطبه ۲۹ نهج‌البلاغه را مربوط به حمله ضحاک می‌داند و نامه عقیل به امام را هم در آنجا ذکر کرده، اما در شرح نامه ۳۶ دچار اشتباه شده و ماجرای نامه‌نگاری را مربوط به بعد از حمله بسر ذکر کرده است.<sup>۵۲</sup>

#### اخباری نادر از خوارج در شرح ابن ابی‌الحدید

اخبار خوارج در شرح مباحث تاریخی خطبه‌های متعددی از نهج‌البلاغه ذکر کرده است. در شرح خطبه ۳۶ که موضوع آن خوارج است، ابن ابی‌الحدید از منابعی بهره برده که بسیاری از آنها امروزه از بین رفته‌اند. ذکر حوادث مربوط به شهادت حضرت علی (ع) و چگونگی هماهنگی سه تن از خوارج، اقدامات ابن ملجم در کوفه و بحث در مورد محل دفن حضرت علی (ع) در شرح خطبه ۶۹ به صورت تحلیلی بیان شده و ابن ابی‌الحدید بحث‌های خویش با اهل علم را بیان نموده و از منابع مخصوصاً مقاتل‌الطالبین ابوالفرج اصفهانی هم استفاده کرده است.

اخبار خوارج پس از خلافت علی (ع) در دوران بنی امیه مخصوصاً جنگ‌های مهلب بن ابی‌صفره با آنها و خروج شیبب خارجی و دیگران به طور مفصل در شرح خطبه ۵۷، ۵۹، ۶۰ آمده است.

#### توصیف بیعت با امام علی (ع) در شرح

##### نهج‌البلاغه

در شرح خطبه ۹۱ ابن ابی‌الحدید دلایل این که علی (ع) ابتدا خواسته مردم برای بیعت و خلافت خویش را نمی‌پذیرفت، از دیدگاه‌های مختلف بررسی نموده است. به نظر می‌رسد مؤلف دلیل اصلی عدم پذیرش خلافت از سوی علی (ع) بلافاصله پس از کشته شدن عثمان را ذکر ننموده است و دلایل کم‌اهمیت‌تری را مطرح نموده است و در واقع دلیل اصلی که علی (ع) در ابتدا خواست مردم مبنی بر پذیرش مقام خلافت را نمی‌پذیرفت، این بود که احساس

با توجه به این که خطبه ۲۵ نهج‌البلاغه پس از موفقیت‌های بسر بن ارتطاه در غارت‌گری‌های قلمرو حکومتی امام (ع) (حجاز و یمن) از سوی آن بزرگوار در نکوهش یارانش ایراد شده، به دلیل این که مردم کوفه برای مقابله با بسر سستی می‌نمودند، شرح این خطبه به ماجرای غارت‌گری بسر و یارانش اختصاص داده شده است، هر چند خطبه ۱۸۱ هم در ارتباط با حمله بسر است، ابن ابی‌الحدید در شرح خطبه مذکور به بحث‌های جامعه‌شناسی در دلایل کوتاهی عراقیان در یاری امیرالمؤمنین اشاره نموده است.

خطبه معروف جهاد (۲۷) پس از غارت سفیان بن عوف غامدی بر شهر انبار و ایجاد آشوب‌گری و کشتار ایراد شده است. اخبار مربوط به چگونگی این غارت‌گری در شرح خطبه ۲۷ به طور مفصل بیان شده است. یکی از سیاست‌های معاویه در اواخر خلافت علی (ع)، این بود که با فرستادن سرداران جسور و خون‌ریز، قتل‌عام‌هایی را در حوزه حکومتی امام ایجاد نماید و باعث ناامنی و پریشانی در قلمرو حکومتی علی (ع) گردد. خطبه ۲۹ پس از حمله ضحاک بن قیس فهری ایراد شده و خطبه ۳۹ بعد از حمله عمرو عاص به مصر و تصرف آنجا و کشته شدن محمد بن ابی‌بکر از سوی علی (ع) بیان شده است. در زمان حمله عمرو به مصر افرادی حدود دو هزار نفر خیلی دیر آماده شدند و به‌موقع هم به آن سرزمین نرسیدند و برگشتند و لذا امام در خطبه ۳۹ می‌فرماید: سرانجام دسته‌ای نزد من آمدند لرزان، ناتوان، گویی به کام مرگشان می‌برند و آنان نگران<sup>۴۵</sup> ابن ابی‌الحدید به اشتباه ایراد این خطبه را پس از حمله و غارت نعمان بن بشیر می‌داند و شرح خطبه ۳۹ را به اخبار حمله نعمان اختصاص می‌دهد. خطبه ۵۶ نهج‌البلاغه پس از ایجاد فتنه عبدالله بن حنظل در بصره ایراد گردیده که در شرح این خطبه نیز به این ماجرا پرداخته شده است. نکته جالب توجه این است که برخی از این غارت‌گری‌ها مدت زمان زیادی طول کشیده است و بیشتر از یک خطبه از سوی علی (ع) درباره آن ایراد شده است. برخی از نامه‌ها هم در ارتباط با همین غارت‌گری‌هاست، از جمله نامه علی (ع) به عقیل در جواب نامه او و پس از اولین غارت‌گری که توسط ضحاک بن قیس انجام گرفت، نگاشته شد. برخی از محققین نگارش نامه علی را پس از حمله بسر می‌دانند؛<sup>۴۶</sup> در حالی که از متن کامل نامه که در منابع موجود است<sup>۴۷</sup> و بررسی شواهد و قرائن مشخص می‌شود که نامه بعد از حمله ضحاک و در ارتباط با غارت‌گری وی نگاشته شده است. در



قیس بن سعد و به برخی از اخبار او اشاره دارد (در شرح نامه ۳۴ هم ابن ابی‌الحدید به بخش دیگری از اخبار محمد بن ابی‌بکر پرداخته است). علی (ع) در این خطبه از دیدگاه و قصد خویش مبنی بر انتخاب هاشم برای حکومت بر مصر سخن می‌گوید. سرداری مشهور که به چاپک‌سوار معروف بود در صفین بزرگترین پرچمدار سپاه امام بود و به شهادت رسید. در انتهای شرح این خطبه از دست‌گیری و کشته شدن محمد بن ابوحذیفه بن عتبه توسط مأموران معاویه یاد شده، وی پسر دایی معاویه و هوادار علی (ع) بود، پدرش هم بر خلاف اکثریت خاندانش جزء یاران نزدیک پیامبر (ص) به حساب می‌آمد.

با توجه به اینکه موضوع نامه سیزدهم فرماندهی مالک بر سپاه جلو داران (طلایه‌داران) لشکر بوده است، مؤلف درباره نسب و برخی از اخبار مالک اشتر توضیحاتی را ارائه داده است. جالب توجه است که متن نامه مربوط به قبل از شروع جنگ صفین است،<sup>۵۷</sup> در حالی که توضیحات مؤلف در مورد اخبار اشتر در عهد عثمان و حضور مالک در ماجرای دفن ابوذر در ربه می‌باشد.<sup>۵۸</sup> در نامه چهاردهم علی (ع) به فرماندهانش توصیه می‌کند که آنها جنگ را آغاز نکنند، علاوه بر این وی تاکتیک‌های جنگی لازم را متذکر می‌شود. به این مناسبت ابن ابی‌الحدید داستان جنگ پیروز ساسانی با هیاطله را ذکر و می‌نویسد؛ عدم رعایت توصیه‌های تاکتیکی مشاوران از سوی پیروز باعث شکست وی گردید.

در شرح خطبه ۱۸۳ درباره اخبار بعضی از یاران علی (ع) مثل نوف بکالی، جعد بن هبیره، عمار یاسر، ابوالهیشم بن تبهان و خزیمه بن ثابت معروف به ذوالشهادتین، قیس بن سعد و ابویوب انصاری مطالبی آمده است، همچنین در مورد عمالقه، اصحاب الرس، عاد و ثمود (در شرح خطبه ۱۹۴ هم در مورد صالح و ثمود توضیحاتی ارائه شده است)، مطالبی بیان شده است. از نکات قابل توجه در بحث‌های ابن ابی‌الحدید در شرح این خطبه بیزاری وی از دخالت دادن تعصبات در بیان مطالب و فداکردن حقایق به خاطر تعصبات است. وی در ضمن شرح حال خزیمه می‌گوید: «از شگفت‌انگیزترین تعصب‌های زشتی که بر آن آگاه شدم، یکی هم این است که ابوحنیان توحیدی در کتاب البصائر می‌گوید خزیمه بن ثابت که با علی (ع) در جنگ صفین کشته شده است، خزیمه بن ثابت ذوالشهادتین نبوده است بلکه کس دیگری از انصار و صحابه است که خزیمه بن ثابت نام داشته است. این سخن اشتباه است چرا که

می‌کرد بنی‌امیه در دوران خلافت معاویه برگرده مسلمین سوار شده‌اند و اهمیت دادن به برخی از صحابه متقدم و مقرری‌های بالا برای آنها توقعاتشان را بالا برده بود، از طرفی پذیرش آنی خلافت از سوی آن حضرت این توهّم را که وی در قتل خلیفه سوم نقش داشته، ایجاد می‌نمود. در متن خطبه حضرت به این نکته اشاره می‌کند که همانا کران تا کران را ابر فتنه در پوشیده ... عملاً هم حاکمانی که برای ایالات فرستاد به راحتی مورد پذیرش واقع نشدند<sup>۵۹</sup> و یا با خزانه خالی<sup>۶۰</sup> و فرار عمال قبلی مواجه شدند، بعضی هم از مرز ایالت برگردانده شدند.<sup>۶۱</sup> قدرت بیست ساله معاویه در شام و تدبیر او در ایجاد لشگری که کورکورانه از وی اطاعت می‌نمود، هر شخص دوراندیشی را متوجه این نکته می‌نمود که خلیفه جدید مشکلات جدی خواهد داشت.

سخنان علی (ع) درباره بیعت و کسانی که از بیعت با ابوالحسن تخلف کردند و یا بیعت کردند و با امام در جنگ‌های همراه نشدند به همراه استدلال‌های آنها در شرح خطبه ۵۳ آمده است. ابن ابی‌الحدید در شرح خطبه ۵۶ به روایاتی که درباره دشنام‌های معاویه و بنی‌امیه بر علی (ع) و لعن آن حضرت در منابع اشاره دارد و می‌نویسد، فقط عمر بن عبدالعزیز این سنت ناپسند را از میان برداشت.<sup>۶۲</sup> وی پس از آن احادیث جعلی را در نکوهش امام علی (ع) ذکر و آنها را ردّ نموده است و در این قسمت از آراء ابوجعفر اسکافی و دیگران استفاده نموده و در بعضی از موارد نقدهایی از خودش نیز ارائه داده است و پس از آن مؤلف به ذکر کسانی که از علی (ع) منحرف بوده‌اند، پرداخته و در نهایت هم بحثی در ارتباط با سبقت علی (ع) در اسلام آوردن و هم فضیلتش در هجرت را مطرح نموده است.

### یاران خاص علی (ع) در شرح ابن ابی‌الحدید

عمده خطبه‌های نهج البلاغه در زمانی توسط علی (ع) بیان شده که مسئولیت خلافت به عهده آن بزرگوار بوده است. از معدود خطبه‌های قبل از خلافت، خطبه آن حضرت خطاب به ابوذر هنگام تبعید وی به ربه است. ابن ابی‌الحدید روایات در ارتباط با چگونگی اعتراضات ابوذر و تبعیدهای او به شام و ربه را منصفانه ذکر نموده، ولی تحلیل‌های پایانی بحثش را تحت تأثیر عقایدش غیر منطقی بیان می‌کند. ابن ابی‌الحدید در شرح خطبه ۶۷ که خطبه‌ای کوتاه است در مورد هاشم بن عتبه و نسب او همچنین محمد بن ابی‌بکر و چگونگی انتخاب او برای امارت مصر به جای

از چهره‌های علمی قرن هفتم هجری است و همزمان با حمله مغول می‌زیسته است و کمی بعد از تصرف بغداد توسط مغولان از دنیا رفته است. مباحث او در ارتباط با مغولان و حملات آنها در مرحله اول و تصرف ایران و شرق جهان اسلام از اهمیت بسزایی برخوردار است. با این حال اجل به وی اجازه نداد حوادث وقایع حملات بعدی مغول را بنویسد، در این خطبه در ارتباط با فتح بغداد و شهرهای غرب جهان اسلام توسط مغولان مطلبی در شرح این خطبه نیامده و حتی از شکست مغولان از سپاهیان خلیفه سخن گفته و این که مغولان هرگز به بغداد نخواهد رسید.<sup>۶۰</sup> او از خطبه امیرالمؤمنین چنین استنباط کرده و می‌گوید که اگر چه خطبه در بصره ایراد شده، ولی بصره و بغداد یک اقلیم به حساب می‌آید. چنان که در ابتدای مقاله ذکر شده، مؤلف مدت کمی بعد از حمله مغولان به بغداد در سال ۶۵۶ درگذشت و فرصت تغییرات لازم در اثرش را نیافت.

### سیاست‌مداری علی(ع) از دیدگاه ابن‌ابی‌الحدید

در شرح خطبه ۱۹۳ ابن‌ابی‌الحدید به بررسی موضوع سیاست از دیدگاه حضرت علی(ع) پرداخته و هماهنگی آن با سیاست پیغمبر را متذکر گردیده است. وی نظرات کسانی مثال ابن سینا در شفا و ابوالحسین معتزلی در غرر را در مورد سیاست‌مدارتر بودن عمر از علی(ع) رد می‌نماید و روش علی در تدبیر امور و ارائه راه‌کارها را همراه با حفظ ارزش‌ها می‌داند و اضافه می‌کند کسی که مقید به حدود الهی باشد، دستش برای ارائه تدبیر امور بسته‌تر خواهد بود.<sup>۶۱</sup> دقیقاً به همین دلیل است که آن حضرت در این خطبه می‌گوید: «اگر نه این است که غدر و مکر ناخوشایند است، من زیرک‌ترین مردم بودم». در این قسمت بحث مفصلی از ابوجعفر بن ابی زید حسنی نقیب آل ابی طالب در بصره (در زمان ابن‌ابی‌الحدید) آورده است. مؤلف شرح این خطبه را با مقایسه سیاست علی و معاویه ادامه داده و به کسانی که به سیاست علی(ع) در امور کشور داری اعتراض نموده‌اند، پاسخ داده است.

### سیمای امام حسن(ع) در شرح نهج‌البلاغه

در شرح خطبه ۲۰۰ ابن‌ابی‌الحدید به این نکته اشاره نموده است که فرزندان علی(ع) فرزندان پیامبر(ص) محسوب می‌شوند. و دلایلی مبنی بر این که فرزندان دختر

کتاب‌های حدیث و نسب گواه آن است که میان اصحاب پیامبر (ص) چه از انصار و چه غیر ایشان هیچ‌کس جز ذوالشهادتین، خزیمه بن ثابت نام نداشته و چه می‌توان کرد که گمراهی و هوس را دارو و چاره‌ای نیست و باید توجه داشت که طبری صاحب تاریخ پیش از ابوحنیفان بر گفتن این سخن پیشی گرفته است و ابوحنیفان این سخن را از کتاب او نقل کرده است و کتاب‌هایی که در مورد نام‌های صحابه تألیف شده به خلاف این دو گواهی می‌دهد.<sup>۵۹</sup>

یکی از نامه‌های مشهور نهج‌البلاغه ۴۵ است که علی(ع) به اولین کارگزارش به بصره، عثمان بن حنیف نگاشت. عثمان بن حنیف و برادرش سهل از قبیله اوس و از انصار بودند که هر دو از یاران نزدیک امیرالمؤمنین به شمار می‌رفتند. در این قسمت ابن‌ابی‌الحدید در باره نسب عثمان و اندکی از اخبار وی توضیحاتی داده است، به دلیل این که در این نامه علی(ع) اشاره می‌کند که فدک را از وی گرفتند، مؤلف اخبار و روایات زیادی درباره فدک و چگونگی تصرف آن توسط خلیفه (ابوبکر) و تلاش علی و فاطمه برای بازگرداندن آن، همچنین سرنوشت فدک تا روزگار خلافت متوکل را ذکر نموده است. تحلیل‌های ابن‌ابی‌الحدید در مقایسه روایات و رد نمودن برخی از آنها گسترده‌تر از سایر قسمت‌های کتاب است.

نامه ۶۱ نهج‌البلاغه نامه حضرت علی(ع) به کمیل بن زیاد نخعی در اواخر خلافت ایشان و در زمان غارت‌گری‌های سرداران معاویه در قلمرو امام علی(ع) نوشته شد، مؤلف در شرح این نامه نسب کمیل و چگونگی کشته شدن کمیل در زمان حجاج همچنین دلیل سرزنش او در این نامه از سوی امیرالمؤمنین توضیحاتی ارائه داده است. ماجراهای سلمان فارسی و چگونگی اسلام آوردنش و چگونگی آمدنش به جزیره العرب در شرح نامه ۶۸ بیان شده است. بدین‌گونه بخشی از شرح مؤلف بر نهج‌البلاغه به بررسی ماجراهای یاران نزدیک حضرت امیر اختصاص یافته است.

### نمود حمله مغول در اثر ابن‌ابی‌الحدید

یکی از مهم‌ترین مباحث شرح نهج‌البلاغه ابن‌ابی‌الحدید شرح خطبه ۱۲۸ می‌باشد. در این خطبه علی(ع) طبق اخبار غیبی که از پیامبر آموخته بود، درباره فتنه صاحب زنج و فتنه مغول مطالب مهمی را فرموده است. ابن‌ابی‌الحدید درباره فتنه صاحب زنج و فتنه مغول مطالب مهمی را نگاشته است. با توجه به این که ابن‌ابی‌الحدید

دوران کودکی و قبل از بعثت و زندگی رسول خدا (ص) در دوران کودکی و نوجوانی مطالبی را آورده است. در شرح خطبه ۲۴۹ تحلیلی‌هایی در مورد این که چرا مشرکین در آغاز هجرت پیامبر (ص) همان سرشب به خانه ایشان نریختند و تا نزدیکی صبح صبر نمودند، ارائه شده است در شرح خطبه ۲۴۲ اخبار ابوموسی اشعری در روزگار پیامبر و خلفا ذکر شده و عقیده معتزله درباره ایمان او بیان شده است.

چون در نامه نهم نهج البلاغه به مشکلاتی که قریش برای مسلمانان و مخصوصاً طایفه بنی‌هاشم پس از بعثت و بعد از هجرت ایجاد نمودند، اشاره شده است ابن ابی‌الحدید به مباحثی چون محاصره یاران پیامبر در شعب ابی‌طالب، بحث‌های نقلی و تحلیلی در ارتباط با ایمان ابوطالب، مؤمنان و کافران بنی‌هاشم، ماجراهای جنگ‌های بدر، احد و موته پرداخته و اخبار جعفر بن ابی‌طالب بحث پایانی این فصل را تشکیل می‌دهد.

### کوفیان و حضرت علی (ع)

در شرح نامه اول حوادث و ماجراهای علی (ع) از زمان حرکت از مدینه تا رسیدن ایشان به بصره و فرستادن نمایندگان به کوفه و خواستن کمک از مردم آن شهر بر علیه فتنه‌انگیزان مطرح شده است. در ابتدای خلافت علی (ع) مردم شام با معاویه بودند و مردم بصره هوادار طلحه، زبیر و عایشه شدند، مردن حجاز هم طرفدار هیچ‌کدام از این گروه‌ها نبودند<sup>۶۴</sup> و اصلاً حجاز از مردان جنگی خالی شده بود<sup>۶۵</sup> و امیرالمؤمنین تنها از مردم کوفه و با استفاده از نفوذ سرشناسانی چون مالک اشتر و حجر بن عدی توانست برای دفع فتنه جمل یاری گیرد.<sup>۶۶</sup> شرح چگونگی این کمک گرفتن در شرح نامه یکم آمده است. با این حال شکایات امام از مردم کوفه به سستی در جهاد و مقابله نکردن با سرداران غارت‌گر معاویه در شرح ابن‌ابی‌الحدید مربوط به تشریح خطبه‌های ۲۵، ۲۷، ۳۴، ۵۶ و... می‌شود. قبل از اینکه مردم کوفه تحت تأثیر اشراف قبایل و اندیشه قاعدین بعد از صفین قرار گیرند، بهترین یاران امام بودند. حضرت علی انتظار کمک بیشتری از کوفیان برای رفع فتنه‌ها داشت.

### نقد دیدگاه ابن‌ابی‌الحدید درباره عملکرد قاعدین

جمله سیزدهم از کلمات قصار اشاره به عملکرد قاعدین

افراد را می‌توان جز نسل و نسب آنان به حساب آورد، ارائه می‌دهد و این دقیقاً مخالف خواسته و عقیده خلفای عباسی بود که علویان را فرزندان علی و آل ابوطالب و نه از خاندان پیغمبر می‌دانستند.<sup>۶۲</sup>

نامه ۳۱ نهج البلاغه به امام حسن و پس از بازگشت از بیکار صفین در حاضرین نوشته شده و در واقع وصیت‌نامه علی (ع) به امام حسن (ع) می‌باشد. در شرح این نامه مؤلف با استفاده از منابع متعدد از جمله انساب قریش زبیر بن بکار، امالی محمد بن حبیب، مقاتل الطالبيين ابوالفرج و آثار ابوالحسن مدائنی، شرح حال امام حسن (ع)، جنگ و صلح با معاویه، حوادث پس از صلح، نگرانی شیعیان از سپرده شدن امور خلافت به معاویه، مشکلات امام حسن در ارتباط با حاکمان اموی و از جمله زیاد بن ابیه ذکر شده است. در ذکر شرح حال امام حسن (ع) تحلیل‌های جالبی هم از خود ارائه داده و به نکات ظریفی اشاره نموده است، هنگام صحبت از فاطمه (ص) مادر امام حسن می‌گوید: «در مجلس یکی از بزرگان که من هم حضور داشتم سخن در این باره رفت که علی (ع) به فاطمه (س) شرف یافته است. یکی از حاضرین گفت، هرگز! که فاطمه به علی شرف یافته است، دیگر حضار پس از این که منکر این سخن شدند، در آن باره به گفتگو پرداختند. صاحب مجلس از من خواست تا عقیده خود را در این مورد بگویم و توضیح دهم که علی یا فاطمه کدامیک افضل‌اند. من گفتم این که کدامیک افضل باشند، اگر منظور از افضل کسی است که مناقب بیشتری را از چیزهایی که موجب فضیلت مردم است دارا باشد، چون علم و شجاعت و نظایر آن علی افضل است و اگر منظور از افضل کسی است که رتبه‌اش در پیشگاه خدا برتر است باز هم علی است ... ولی اگر منظور از افضل شرف نسب و والاتباری است، شک نیست که فاطمه افضل است ... و اگر شدت محبت و قرابت پیامبر مد نظر است، بدیهی است که فاطمه افضل است».<sup>۶۳</sup> در ادامه مؤلف دلایلی ارائه می‌دهد که با این ازدواج هر دو (علی و فاطمه) به یکدیگر شرف یافته‌اند.

### همراهی علی (ع) با پیامبر در دوران کودکی و دوران بعثت

یکی از خطبه‌هایی که شرح آن در اثر ابن‌ابی‌الحدید گسترده و مفصل بیان شده خطبه ۲۳۸ است، ابتدا انگیزه‌هایی که اعراب را به زنده به گور کردن دختران واداشت، ذکر شده و پس از آن درباره زندگی علی (ع) با پیامبر (ص) در

۵. L.Vecc/A VAGLIERI →  
Encyclopaedia of Islam , V , III , P , ۶۸۴  
۶. L.VECC/A VAGLLI ERI , l bld , p  
۶۸۵.

۷. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، الجزء الاول، مقدمه  
مصصح، ص ۱۳

۸. پیشین، الجزء الاول، ص ۴  
۹. پیشین، الجزء الاول، مقدمه مصصح، ص ۹  
۱۰. پیشین، الجزء الاول، مقدمه مصصح، ص ۱۲  
۱۱. پیشین، الجزء الثالث، ص ۹-۷۸  
۱۲. پیشین، الجزء الثالث، صص ۹-۵۵  
۱۳. پیشین، الجزء الثاني عشر، صص ۴-۳  
۱۴. پیشین، الجزء العشرون، ص ۲۷  
۱۵. پیشین، الجزء العشرون، ص ۱۸۸  
۱۶. پیشین، الجزء الاول، ص ۷  
۱۷. پیشین، الجزء الاول، ص ۱۳۵  
۱۸. پیشین، الجزء الخامس، ص ۵  
۱۹. پیشین، الجزء العشرين، ص ۱۸۸  
۲۰. سوره نساء، آیه ۱۸  
۲۱. پیشین، الجزء السادس، ص ۲۵۹  
۲۲. پیشین، الجزء الاول، ص ۲۱۰  
۲۳. برای اطلاع از این روایات رک. پیشین، الجزء  
العشرون، ص ۱۰  
۲۴. پیشین، الجزء العشرون، صص ۲۷-۸  
۲۵. پیشین، الجزء الثالث، صص ۹-۵۵  
۲۶. شوشتری، محمدتقی، نهج‌الصباغه فی شرح  
نهج‌البلاغه، تهران، دار امیرکبیر، الطبعة الاولى، ۱۳۷۲،  
الجزء السادس، ص ۲۳۴  
۲۷. هاشمی خویی، حبیب‌الله، منهج البراعه فی شرح  
نهج‌البلاغه ضبط و تحقیق علی عاشور، بیروت، داراحیاء  
التراث العربی، الطبعة الاولى، ۱۴۲۴ ق، المجلد الرابع عشر،  
ص ۱۷  
۲۸. مطهری، مرتضی، سیری در نهج‌البلاغه، تهران،  
صدرا، چاپ دوم، ۱۳۵۴، ص ۱۶۴  
۲۹. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، الجزء الثاني عشر،  
ص ۱۷  
۳۰. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، الجزء الاول، ص  
۲۳۷  
۳۱. انوار، عبدالله و دیگران، فهرست کتابخانه ملی، ج

یا معتزلیان سیاسی دارد. امام در مورد آنها می‌گوید: حق را خوار ساختند و باطل را یاری نمودند و این نوعی نکوهش است، کسانی که حق و باطل را به یک چشم نگاه می‌کنند. اما ابن ابی‌الحدید به نقل از یکی از مشایخ معتزلی خویش می‌نویسد: علی آنها را برای شرکت در جنگ فراخواند، بهانه آوردند و به جهت اینکه بیعت با آن حضرت مورد قبولشان بود به آنها فرمود حال که بیعت کرده‌اید چنان است که در جنگ هم شرکت کرده‌اید (همین عقیده را در شرح جمله ۲۶۸ بار دیگر ذکر نموده است) علاوه بر این که متن سخن علی (ع) با این تعبیر ابن ابی‌الحدید مغایر است، شواهد و قرائن هم حاکی از آن است که علی (ع) از عملکرد کناره‌گیران از جنگ مثل سعد بن ابی وقاص، عبدالله بن عمر، محمد بن سلمه و ... راضی نبوده است. امیرالمؤمنین ترک نبرد خودش با کسی مثل معاویه را مساوی با کافر شدن نسبت به آنچه محمد (ص) آورده است می‌دانست.<sup>۶۷</sup> و از کناره‌گیری دیگران هم ناراضی بود. تفکر قاعدین و معتزلیان سیاسی مورد اعتماد و علی (ع) نبود، وقتی یکی از همین بی‌طرف‌ها، ابوموسی اشعری، از سوی سپاه علی به عنوان حکم مطرح شد، امام فرمود، او مورد اعتماد من نیست مردم را از یاری من بازداشت.<sup>۶۸</sup> بنابراین، تفسیر و تعبیر ابن ابی‌الحدید در مورد رضایت علی (ع) از آنها و این که «چنان است که شرکت کرده‌اید» درست نیست. در واقع آنها تفکری داشتند که شدیداً جنگ‌های داخلی جهان اسلام را محکوم می‌نمود و با این تفکر علی (ع) نمی‌توانست شورش‌ها، یاغی‌ها و ناامنی‌ها را از بین ببرد. امام علی (ع) خود با استناد به قرآن در جریان حرکت برای سرکوبی لشکر جمل تأکید می‌کند که «فضل الله المجاهدین علی القاعدین اجراً عظیماً» و بدین‌گونه آن دسته از مردم طی<sup>۶۹</sup> را که به کمکش شتافتند را بر دیگران برتری می‌دهد و تکریم می‌نماید.

### پی‌نوشت‌ها:

۱. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت دارالساقیه للعلوم، الطبعة الاولى، ۱۴۲۱-۲۰۰۱، الجزء الاول، مقدمه مصصح، ص ۱۳-۱۱.  
۲. پیشین، الجزء الاول، مقدمه مصصح، ص ۱۵  
۳. پیشین، الجزء الاول، مقدمه مصصح، ص ۱۵، به نقل از ابن فوطی در کتاب مجمع‌اللقاب  
۴. پیشین، الجزء الثامن، ص ۱۸

- ۴، ص ۳۶۰
۳۲. منزوی، علی نقی و دیگران، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۲، ص ۲۵۳
۳۳. ابن‌ابی‌الحدید، جلوه تاریخ در شرح نهج‌البلاغه، ترجمه دکتر محمود مهدوی دامغانی، تهران، نشر نی، چاپ اول، ۱۳۶۸-۷۳
۳۴. به عنوان نمونه ذکر سخن یکی از مخالفان عقیده معتزله در کتاب «چشم‌های معتزلیان لوچ است و سخنان من در گوش‌های ایشان چون طبل...» نک، ابن‌ابی‌الحدید، پیشین، الجزء الثالث عشر، ص ۸۴.
۳۵. مطالب وقعه صفین در شرح خطبه‌های ۳۵، ۴۳، ۴۶، ۵۱، ۵۴، ۶۵، ۱۲۴ به ترتیب در الجزء الثاني صص ۲۰۵-۱۶۴، الجزء الثالث صص ۱۵۴-۱۳۱ و صص ۲۶۲-۲۴۷، الجزء الرابع صص ۲۵-۱۱، الجزء الخامس صص ۲۰۳-۱۳۸، الجزء الثامن صص ۸۱-۸ آمده است.
۳۶. به عنوان نمونه تحلیل وی در مورد حضور عمار در صفین و شک شامیان به حقانیت خویش، ن.ر.ک، (شرح خطبه ۱۲۴) ابن‌ابی‌الحدید، پیشین، الجزء الثامن، ص ۱۵
۳۷. پیشین، الجزء الاول، ص ۱۸
۳۸. پیشین، الجزء الثاني عشر، ص ۴۱۶ در شرح کلمه قصار ۱۸۵
۳۹. نهج‌البلاغه، ترجمه شهیدی، خطبه ۲۳۸، ص ۲۶۸
۴۰. پیشین، الجزء الثالث عشر، صص ۲۳۱-۲
۴۱. سواران شتابان، خبر کشته شدن عثمان را به معاویه رساندند. رک. دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود، پیشین، ص ۱۵۵ و نیز نصر بن مزاحم منقری، پیکار صفین، ترجمه پرویز اتابکی، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۰، ص ۱۱۳
۴۲. نهج‌البلاغه، ترجمه دکتر سید جعفر شهیدی، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۷۲، نامه ۶۴ ص ۳۴۹
۴۳. ابن‌ابی‌الحدید، الجزء الاول، ص ۲۵۱
۴۴. ابن‌ابی‌الحدید، الجزء الثاني، صص ۴۱-۲۳۸
۴۵. نهج‌البلاغه، خطبه ۳۹ ص ۳۸
۴۶. نهج‌البلاغه، ترجمه شهیدی، تعلیقات نامه ۳۶، ص ۵۲۵
۴۷. نصف‌نامه در نهج‌البلاغه آمده و نامه کامل امام و برادر ایشان عقیل در منابع مذکور است. در نامه عقیل نام ضحاک و غارت او بر حیره ذکر شده است. رک.
- ابن‌ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، الجزء الثاني، ص ۹۵، ثقفی کوفی، پیشین، المجلد الثاني، ص ۴۳
۴۸. ابن‌ابی‌الحدید، الجزء الثاني، ص ۱۴
۴۹. پیشین، الجزء الثاني، ص ۹۴
۵۰. پیشین، الجزء الثاني، ص ۱۴
۵۱. پیشین، الجزء الثاني، ص ۹۴
۵۲. پیشین، الجزء السادس عشر، ص ۱۴۹ در شرح نامه ۳۶
۵۳. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، التاريخ الطبری (تاریخ الامم و الملوک)، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، زبیروت، زدار التراث العربی، الطبعة الثانية، ۱۳۸۷/۱۹۶۷، ج ۴ ص ۴۴۲
۵۴. حاکم انتخابی امام بر یمن با خزانه خالی آنجا مواجه شد. یعلی بن منبه حاکم عثمان بر آن ایالت بیت المال را به غارت برده بود.
۵۵. سواران معاویه سهل بن حنیف را از مرز شام برگرداندند، رک. دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود، اخبار الطوال، تحقیق عبدالنعم عامر، مراجعه جمال‌الدین الشیال، قاهره داراحیاء الکتب العربی، الطبعة الاولى، ۱۹۶۰، ص ۱۴۱
۵۶. پیشین، الجزء العشرون، ص ۱۸۴
۵۷. نصر بن مزاحم، پیشین، ص ۲۱۳
۵۸. ابن‌ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، الجزء الخامس عشر، ص ۷۵
۵۹. پیشین، در شرح خطبه ۱۹۴
۶۰. پیشین، الجزء الثامن، ص ۱۸
۶۱. پیشین، الجزء العاشر، صص ۷-۱۶۶
۶۲. الهی‌زاده، محمدحسن، «جستاری در بحث وراثت اعمام و وراثت بنات» رک. فصلنامه تاریخ اسلام، س سوم، ش ۱۰، تابستان ۸۱، ۱۲۰-۱۰۱
۶۳. پیشین، الجزء السادس عشر، ص ۱۵
۶۴. طبری، محمد بن جریر، پیشین، ج ۴، ص ۴۸۶
۶۵. ان اموال و الرجال بالعراق، رک. دینوری ابوحنیفه احمد بن داود، پیشین، ص ۱۴۳
۶۶. شیخ مفید، الجمل و النصر فی حرب البصره، قم، منشورات مکتبه الداوری، الطبعة الثالثة، [بی‌تا] صص ۸-۱۳۷
۶۷. دینوری، پیشین، ص ۱۸۸
۶۸. نصر بن مزاحم، پیشین، ص ۶۸۸
۶۹. طبری، پیشین، ۴/۴۷۸